

# پذیرش شاه مخلوع از طرف امریکا یک عمل سیاسی است بر ضد انقلاب ایران

اگر چه شاه سابق را هم به امریکا منتقل میکردند، این یک عمل سیاسی بود، چه رسد به زنده از، بر است یا بدو، بتوان بیماری و برای معالجه، دولت ایالات متحده امریکا شاه مخلوع را در خاک خود پذیرفته و این پذیرش یک عمل سیاسی است. اینکه شاه مخلوع بازنوسکها و گروه محافظینش به امریکا وارد شده، بهنگام ورود از جیبی کارت، رئیس جمهوری امریکا تشکر کرده با قاطری از اتومبیلهای اسکورت به بیمارستان منتقل شده، هادینک کارتی، سخنگوی وزارت خارجه امریکا، درباره ورود او بتفصیل سخن گفته و از جمله اعلام داشته است که درباره پذیرش او با مقامات دولت ایران تماس گرفته شده، خبر گزارها گزارشهای مفصلي درباره واقعه داده اند و سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در پاسخ به خبرگزاری پارس به اظهار نظر پرداخته، همه و همه دلائل بارزی است که دولت امریکا با پذیرش شاه مخلوع به یک عمل سیاسی دست زده است.

بقیه در صفحه ۲

## صنعت یا کشاورزی - هر دو با هم!

آقای وزیر کشاورزی، در یک سخنرانی غیر رسمی، مشی سیاست وزارت کشاورزی را در سمینار مسائل مکانیزاسیون کشاورزی ایران تشریح کرد. او چندین از همکارانش چنین عقیده دارند که ایران باید کشاورزی کشاورزی شود نه صنعتی. وی چنین اظهار نظر میکند: «در رژیم گذشته عقیده بر این بود که ایران کشاورزی نیست و باید صنعتی شود. در اینجا نیازی به بحث و گفتگو نیست، چون ابطال نظریه صنعتی شدن کشور بثبوت رسیده است. ما باید منابع مالی حاصل از صادرات نفت را در جهت گسترش کشاورزی و افزایش تولید بکار بریم. فقط از صنایع وابسته به کشاورزی حمایت کنیم. مواد غذایی مورد نیاز همگان است و پس از رفع نیاز مملکت، اضافه تولید را به خارج صادر کنیم و درآمد ارزی آنرا جانشین نفت کنیم. در حالیکه اگر کشور صنعتی شود، در شرایط کنونی ما قادر نیستیم با امریکا، اروپای غربی و ژاپن در بازار جهانی رقابت کنیم و صنعت ما مواجه با شکست خواهد شد.»

بقیه در صفحه ۲



ارگان مرکزی غرب تووه ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۷۶  
شنبه ۵ آبان ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰ ریال

در باره یک تحلیل نادرست که می تواند پیامدهای غم انگیز بار آورد

## اتحاد

### ضامن پیروزی است

اتحاد چپ، اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی، اتحاد مارکسیست ها و مسلمانان مبارز پیرو راه امام خمینی، در یک کلمه، اتحاد همه نیروهای انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، پاسخ دندان شکن به توطئه های امپریالیستی است، تنها راه مقابله با ضد انقلاب است.

بقیه در صفحه ۳

## میلیونها نفر از مردم ایران همبستگی خود را با امام خمینی، رهبر انقلاب، اعلام داشتند



صحنه ای از راهپیمایی مردم تهران در ابراهیمبستگی با امام خمینی

## اسلحه، پول، یا استقلال؟

### ما استقلال را انتخاب میکنیم

مقامات معول، چنانکه از گفتار و کردارشان بر می آید، کوشی بر سر حل معمای «پول و اسلحه» خرید اسلحه از امریکادارنده اند. کلاف «معما» ظاهرا بدین صورت عرضه می شود: اگر بر مبنای معاملات که شاه مخلوع با پنتاگون و انحصارهای اسلحه سازی امریکا انجام داده، اسلحه سفارشی را دریافت داریم، پولی را که محمدرضا پیش برداخت کرده، نجات داده ایم. اگر این معاملات را فسخ کنیم، میانه پول ما را در بانکهای امریکایی توقیف خواهند کرد و ما متضرر خواهیم شد. پس باید معاملات را انجام دهیم تا متضرر نشویم. ولی نمی شود این معاملات را انجام داد، چون انجام معاملات مزبور توأم با پذیرش قیود شرط سیاسی- نظامی است. پس معاملات را باید فسخ کرد، ولی نمی توان آنها را فسخ کرد، چون پول ما را توقیف خواهند کرد و بدینسان مقامات معول خود را در برابر «معمای» بقیه در صفحه ۲

## بیانیه کانون دانش آموزان ایران درباره دولتی کردن مدارس

### هموطنان گرامی، دانش آموزان عزیز!

پس از آنکه انجمنی وزارت آموزش و پرورش دولتی شدن کلیه مدارس (در آستانه سال تحصیلی) اعلام شد، همه خانواده های ایرانی، بخصوص خانواده های زحمتکش، بسا آغوشی گرم آنرا پذیرا شدند و گمان کردند که انتظار دیرینه شان برای همگانی کردن و یکسان نمودن آموزش و پرورش کشور بر آورده شده و دولت جمهوری اسلامی به این نیاز جرم جامعه پاسخ مثبت داده است. اما این خوشحالی دیری نپایید و متأسفانه چند روز بعد دولت اعلام کرد که اجرای این طرح فعلا عملی نیست. بدین ترتیب مدارس کشور علیرغم اعتراضات همه جانبه مردم و گروه های سیاسی به همان صورت دوران طاغوت باقی ماند.

پس از این واقعه، بلافاصله این سؤال ذهن به ذهن گشت که چرا دولتی که خود را «دولت موقت انقلابی» میدانند، از اجرای یکی از خواسته های مهم انقلابی جلوگیری بعمل می آورند؟ تا گفته پیدا است که بدون همگانی و معانی شدن آموزش، رسیدن به آن جامعه فارغ از سطوح طبقاتی که منافع مستضعفین را در بر گرفته و مورد نظر صاحب نظران صادق به انقلاب است، نه تنها غیر ممکن است، بلکه مقاومت در برابر این خواسته بحق زحمتکش، عملا گامی است در تعقیب خواسته های رژیم گذشته که آموزش را مانند دیگر نهادهای جامعه طبقاتی در خدمت مستکبرین قرار داده بود.

رژیم مغفود پیشین که به نیروی سرما بهادران و زمینداران بزرگ و وابسته متکی بود، در زیر لوای سپردن کار مردم به مردم (۱) با ایجاد و گسترش مدارس خصوصی آنها را به نگاه سودجویی تبدیل ساخته بود. این سیاستی بود که منجر به طبقاتی شدن آموزش می گشت، بدین معنی که آموزش در سطوح علمی بالا (هر چند همراه با محتوی استعماری) با امکانات کافی و متنوع، در خدمت فرزندان بخش مرفه جامعه قرار داشت و اکثریت مردم (زحمتکشان شهروده) به علت فقر مالی بدور از هر گونه آموزش علمی و لازم بوده اند و همیشه با نبودن معلم (حتی بی تجربه و بدبیله اش)، کمبود کتاب، بدی وضع کلاسها و کمبود سوخت و هزینه اردود و زحمت دیگر دست بگریبان بوده اند. اکنون که به برکت انقلاب شکوهمند مردم، در بارخانین پهلوی و اعوان و انصارش از این کشور رانده شدند، باید برای یکسان نمودن آموزش و همگانی کردن آن دست بکار شد. ما قدم اساسی و ابتدائی را در این راه، دولتی کردن مدارس خصوصی و کوتاه کردن دست سرمایه داران از آموزش و پرورش کشور می دانیم. این وظیفه دولت جمهوری اسلامی است که امکانات لازم را برای برداشتن این قدم فراهم آورد.

هم اکنون در تعدادی از مدارس کشور صدای اعتراض به این عمل دولت به شکل اعتصاب و تظاهرات بگوش مومرسد و حتی تعدادی از دانش آموزان مدرسه را تعطیل کرده و دست به تظاهرات زده اند و دولتی شدن مدارس و لغو شهریه ها یکی از حقوق بحق و انقلابی دانش آموزان است. اما اگر اقدام در جهت تحقق این خواسته انقلابی تسخیر شده و بی موقع انجام گیرد، نه تنها نتیجه مطلوب نیرسد، بلکه وسیله ای برای سوء استفاده دشمنان انقلاب قرار خواهد گرفت و زمینه را برای بهره برداری نیروهای مرتجع و راست در حمله به مواضع مترقی جنبش انقلابی ما آماده خواهد کرد. دولت جمهوری اسلامی نباید در زمانیکه باید در جهت تعمیق و گسترش انقلاب و سازندگی جامعه انقلابی پیش رفت، به مسائل دانش آموزان تاین حد بی توجه باشد. ما از همه همپیمانان انقلاب، امام خمینی از شورای انقلاب، از دولت موقت جمهوری اسلامی می خواهیم که هر چه زودتر مدارس خصوصی را دولتی و لغو کلیه شهریه ها را اعلام دارند، تا زمینه سوء استفاده را برای نیروهای که می خواهند بجای کار سازنده به تخریب بپردازند، سد کنند.

کانون دانش آموزان ایران

## «راه حل نظامی» برای مسئله کردستان سر انجام ندارد

حزب توده ایران پیشنهاد خود را برای اجرای آتش بس در کردستان، که شرط حتمی و ضروری برای موفقیت در مذاکرات، بمنظور حل مسالمت آمیز مسئله کردستان مبنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد است، تکرار میکند

مسئله کردستان، که امروز مهمترین مشکل سیاسی ایران است، در آغاز مسئله ای نبود که به چنین فاجعه هولناکی تبدیل شود. یکی از علل عمده این درگیری کونی نکتیت بار آن بود که زبان خرد بسته شد و تفکرها بسا در آمدند، که امروز بغرض تا نکتا و نمره فانتوما و زوزه موشکها رسیده است. ادامه «راه حل نظامی» تا امروز بجای آنکه نتیجه معقولی ببار آورد، برعکس، هر روز کار را بنرینتر کرده و هر چه این «راه حل» بیشتر ادامه یابد، گره کردستان کورت تر و بزرگتر خواهد شد. چرا چنین است؟ به نظر بی شبهه ما علت آنستکه، وسیله حل مسئله کردستان «راه حل نظامی»

ساخته بود و اکنون که به قیمت خون دما هزاد ایرانی، و از جمله هزاران مها بادی و سقزی و بوکانی و سنندجی و کرمانشاهی و پاوه ای... طاغوت سرنگون گردیده، من می خواهم رژیم طاغوت از کردستان برچیده گردد و یکی از عمده ترین مظاهر طاغوت، که ستم ملی است، از گردن من برداشته شود و بین اجازه داده شود که امور صرفاً محلی کردستان را در چارچوب تسامیت ارضی ایران و طبق نیاز مندیهای خود اداره کند زبان و فرهنگ ملی خود را، که منویات من است، آزادانه بکار بندم. هیچ یک از خواسته های آزادی شلتاق است و نه برای بازی و سرگرمی، بلکه مسائلی است که با سعادت و رفاه و آزادی توده مردم ارتباط مستقیم دارد.

در مقابل این خواسته های بحق؟ خلق کرد، جز لیک چه پاس معقول و انسانی دیگری می توان داد؟ ولی هنگامی که به جای لیک تانک و توده مردم ارتباط مستقیم دارد.

بقیه در صفحه ۲

**در صفحات بعد:**

- سر سپرده معر و فر رژیم سابق، در پست استانداری دولت انقلاب! - صفحه ۲
- چرا «سیاس»، نگران کاهش استخراج نفت در اتحاد شوروی است؟ - صفحه ۳
- شرکت «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران در جشن های «اومانیته» و «اومانیته» ارگانهای احزاب کمونیست فرانسه و ایتالیا - صفحه ۴
- مردم و «مردم» - صفحه ۳
- رویدادهای جهان - صفحه ۲
- اخبار کارگری - صفحه ۴

**بهر فیتق توده های**

اندیشهات بزرگ  
آسان که خود بزرگ  
کلام شاعر، نقش شعر  
وجودت تست

جانم  
تلاش،  
هم آنگونه کز تلاش  
جانی دیده  
تازه  
به زحمتکشان ملک.

اجرت عظیم،  
که تاریخ انقلاب،  
اکنون برای خلق،  
میدان تجربه گشتت و  
انتخاب

با لافزن کسان،  
اکنون زمان دیگر از  
راه میروسد.

در مسیر بی گسست  
نهایت عزیز  
زانکه نهایت بگل نشست.

# آتش بس در کردستان شرط حتمی و ضروری برای موفقیت در مذاکرات است

# سر سپرده معروف رژیم سابق در پست استانداری دولت انقلاب!

پدنبال افشاگری مردم در مورد دروغ‌ها و اشتغال پستهای حساس دولتی توسط کارگزاران و عمال رژیم منقرض پهلوی، همچون دو معاون وزارت کشاورزی که یکی ۵ بار و دیگری ۱ بار معاون همین وزارتخانه در دولت‌های سرسپرده پیشین بوده‌اند، روزنامه انقلاب اسلامی، در شماره ۱۰۲ خود، خبر از اشتغال یک پست مهم دیگر دولتی توسط یکی دیگر از عوامل رژیم سرنگون شده پهلوی دارد و انقلاب اسلامی، می‌نویسد:

روز دوشنبه ۵/۷/۳۰ اطلاع یافتیم که رضا بوشهری مدیر عامل قبلی شرکت واحد که از طرف دولت انقلاب منصوب و جدیداً برکنار شده بود، پس از گذشت مدت کوتاهی دوباره به سمت استاندار مازندران منصوب گردید. و خبر انتصاب در روزنامه‌های عصر تهران منتشر شد.

هنوز ۲۴ ساعت از اعلام این خبر نگذشته بود که دوباره خبر مصادره اموال ایشان بعنوان یکی از سرسپردهگان رژیم گذشته از طرف دادسرای انقلاب اسلامی اعلام گردید.

در همین خبر میخوانیم که اکثر این عده بعد از انقلاب اسلامی ایران از کشور متواری شدند و تعدادی از آنها نیز بهنگام

فراد موجودی خود را از کشور خارج کرده‌اند.

واقعا که مرجع ۱۱ این چندمین باریست که بین اعمال دولت و اقدامات دادستانی انقلاب تناقض دیده میشود. از یک طرف دولت شخصی را به سمتی میگرداند و از طرف دیگر دادستانی انقلاب حکم به جرمیت فرد مذکور صادر میکند.

رضا بوشهری که مدت چندماه پست مدیر عامل شرکت واحد در زمره دولتیان اشتغال داشته است، ذکر نام ایشان در لیست سرسپردهگان رژیم سابق موجب تمجب و در نهایت تاسف از سیاست دولت در استفاده از افراد نادرست گردید. و اینکه دولت با توجه به شرایط بحرانی حاکم بر کشور و نقشی که انتصابیون میتوانند در رفع وی تشدید بحران‌ها داشته باشند، چگونه اینطور ناشایسته فردی را بدون تحقیق و تعمق در سوابقش در راس کارهای حساس، آنهم اداره یک استان قرار میدهد. این بی‌احتیاطی‌ها در نهایت شر به مهلکی به انقلاب وارد خواهد ساخت. البته اظهار بی‌اطلاعی وزیر کشور از این موضوع در ماهیت امر تغییر بوجود نمی‌آورد و از نگرانی مردم نیز نمی‌کاهد. ملت نگران آنست که، آیا هنوز هم امثال رضا بوشهری‌ها در راس امور هستند؟

# سری‌سازان سابق در پست استانداری

آیا سوابق سیرین نیز مانند بوشهری از دید دولت پنهان مانده است؟

وزارت کشور و ریاست جمهوری بر اساس چه ضوابطی این انتصابات را انجام میدهند؟ و در نهایت با این نارسائی‌ها کاراداره ملکیت چه راهی کشیده خواهد شد؟

تناقض بین اقدامات دولت و دادستانی انقلاب به فاصله ۲۴ ساعت رسیده است، که حاکی از ناهماهنگی و دوری این دو قدرت از یکدیگر میباشد.

این نارسائی‌ها هر چه باشد، مشکلی ایجاد نمیکند که افراد از جانب چه کسانی معرفی میشوند که این چنین آسان در راس امور قرار میگیرند. و حتی زمانی که آگاهان در مورد این افراد به معقولین امر گوشزد میکنند بایستی آنها روبرو میشوند و به تذکراتشان نیز ترتیب اثر داده نمیشود.

در مدت ۹ ماهی که از روی کار آمدن دولت انقلاب میگذرد، بارها به تجربه ثابت شده است که مردم زودتر از دولت به مسائل آگاهی پیدا میکنند و اکثر آنها ابتدا تذکراتی از طرف مردم داده شده و سپس و پدنبال آن دولت اقداماتی انجام داده است. و اینکش که دولت این تذکرات ملت را جدی نگرفت و اقدامات بعدی را با مطالعه دقیق تر انجام میداد.

علت برکناری رضا بوشهری از جانب شهرداری «ایجاد تغییراتی در شهرداری» بیان شده. در حالی که چند روز قبل از این جریان، مکرراً از جانب

کارکنان شرکت واحد اعتراضاتی به اعمال بوشهری وارد آمده بود که در روزنامه انقلاب اسلامی و دیگر مطبوعات متمسک گردیده، که بی‌ربط باین کناری وی نبوده است. تا فاصله بیشتر در اینجاست که هنوز معایب برکناری رضا بوشهری از مدیریت عامل شرکت واحد جل نشده بود که دوباره خبر انتصاب وی به استانداری مازندران منتشر گردید. و بالاخره پدنبال آن ناکام دادستانی انقلاب خبر مصادره اموال رضا بوشهری را اعلام میدارد و وزارت کشور که بدون تحقیق کافی دست باین انتصاب زده بود، در مقابل عمل دادستانی «عات» میشود.

این نمونه بارز نشان میدهد که اگر دولتمردان از ابتدا به نصایح ملت گوش فرا دهند و خود را از ملت دور نگاه ندارند، هیچ گاه چنین مسووردی بوجود نخواهد آمد.

در اینجا قصد نصیحت نیست، بلکه هدف تنها ارائه نارسائی و هشدار به دولت انقلاب است که اولاً از مردم فاصله نگیرد و به تذکرات آنها گوش فرا دهد و ثانیاً در انتصابات افراد برای پست‌های حساس تمعق بیشتری بکند و از گذاردن بعضی از عوامل رژیم فاسد گذشته در راس امور خودداری نماید. و بدانند که این افراد که به عاید هستند و هیچگاه نخواهند توانست در جهت اهداف انقلاب اسلامی کام بردارند.

## صنعت یا کشاورزی - هر دو با هم!

باقیه از صفحه ۱

شاید عده کسانی که از موضوع فکری آقای وزیر کشاورزی دفاع میکنند، زیاد نباشد، ولی با توجه به مسئولیت خطیری که ایشان هنوز برعهده دارند، از آنجا که این موضوع گویا میتواند ضربات جدی به هدفهای انقلاب ایران وارد آورد، لازم است که توجه را به نکات زیرین جلب کنیم:

صنعتی کردن تنها راه رهایی از وابستگی اقتصادی و تنها عامل پیشرفت و تولید کالاهای مورد نیاز جامعه است. کلیه کشورهای پیشرفته و مرفه جهان صنعتی شده‌اند.

بدون ایجاد صنعتی پیشرفته و تولید کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی مورد نیاز کشاورزی، هیچگونه امکان توسعه و پیشرفت کشاورزی وجود ندارد.

در بیشتر کشورهای پیشرفته و مرفه جهان جمعیت شاغل روستائی در صد کمی از جمعیت کل را تشکیل میدهد (امریکا ۵٪، انگلستان ۳٪، آلمان ۸٪ فرانسه ۱۰٪).

تنها در کشورهای پیشرفته صنعتی است که روستائیان میتوانند مواد غذایی مورد نیاز جامعه را تهیه کنند و مقداری از آنرا صادر کنند (در امریکا ۱ نفر برای ۷۵ نفر و برعکس در هندوستان بزحمت یک نفر روستائی میتواند برای دوفتر غذا تولید کند).

صنعتی شدن ایران باید در درجه اول در جهت تولید و تهیه کالاهای مورد نیاز جامعه ایرانی باشد، تا از قیود وابستگی به امپریالیسم جهانی رهایی یابد.

اگر چه در بازار جهانی سرمایه‌داری امکان رقابت با کشورهای چون امریکا و اروپای غربی و ژاپن وجود ندارد، ولی نباید فراموش کرد که حتی در رژیم گذشته هم برای کالاهای ساخت ایران بازار فروش وجود داشت. ما با کشاورژی که به استقلال سیاسی و اقتصادی ما احترام میگذارد نمیتوانیم در چارچوب منافع متقابل، روابط تجاری مناسبی برقرار کنیم. چنانکه در سالهای گذشته بسیاری از کالاهای ساخت ایران از جمله اتوبوس، یخچال، کفش، تایید و سایر محصولات دیگر به کشورهای سوسیالیستی صادر میگردید. امروز، بعد از انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی، امکانات بیشتری برای توسعه و افزایش صادرات به این کشورها و همچنین کشورهای غیرمتهد آسیا و آفریقا و امریکای لاتین وجود دارد.

با توجه به روند افزایش جمعیت در رابطه با ازدیاد محصولات کشاورزی و با توجه به برنامه‌های کشاورزی دولت موقت، برای تامین مواد غذایی مورد نیاز جامعه، اگر محال نباشد، لااقل سالها بعد از آن خواهد کشید تا به مرز خود کفائی برسیم.

بازار جهانی فرآورده‌های کشاورزی در اختیار کشور هائی چون امریکا، استرالیا، کانادا و سایر کشورهای دیگر امریکا ایستائی قرار گرفته است. بازار قهوه، کتان، شکر نیز در اختیار آنهاست. فراموش نمیکنیم که امریکا برای اینکه کوبای انقلابی را بنانو در آورد، اقدام به مصادره اقتصادی کوبا کرد و قیمت جهانی شکر را کاهش داد و اقتصاد کوبا را به نجات زیدی روبرو ساخت. و این اتحاد شوروی بود که برای نجات اقتصاد کوبا اقدام به خرید شکر کوبا با قیمت مناسب کرد. بنا بر این کالاهای کشاورزی در بازارهای جهانی سرمایه‌داری بر مراتب آسیب پذیرتر از کالاهای صنعتی است.

اگر چه آقای وزیر کشاورزی توسعه صنایع وابسته به کشاورزی را توصیه کرده، ولی اشاره‌ای به کارخانه ماشین‌سازی تبریز و گسترش ظرفیت آن و لزوم ایجاد کارخانه‌های تولید کننده ماشین‌های کشاورزی ننمود.

آقای وزیر کشاورزی فقط اشاره کرد که ایران در نظر دارد سه نوع تراکتور از خارج وارد کند و کمپانی‌های خارجی را متعهد به ایجاد تعمیرگاه‌ها و تامین وسایل یدکی آن نمود. بطور خلاصه میتوان گفت که، اگر به میل آقای وزیر کشاورزی عمل شود، هم وابستگی صنعتی ما حفظ خواهد شد و هم وابستگی به مواد غذایی زیادتر خواهد شد، که هر دو این خواست امپریالیسم جهانی است.

بهترین روشی که به منافع ملی ما و هدفهای انقلاب ما منطبق میکند، تجربه نیز نشان میدهد که در صورت اتخاذ سیاست درست میتواند با موفقیت به مرحله عمل درآید. عبادت است از توسعه و پیشرفت هر دو رشته تولیدی، یعنی صنعت و کشاورزی با هم، با توجه بحق اولویت با سرمایه‌گذار ایرانی رسته‌های تولیدی، که نیاز مبرم جامعه را چه از نظر بنیادی و امر رشد سالم و مستقل و همه‌جانبه اقتصاد و چه از نظر نیازهای حاد روز و احتیاجات مصرفی و بهبود وضع زندگی مردم، بر طرف و بر آورده‌اند.

است و دیگر ظلمت و خجاست را قبول ندارد؟

بدلائل مذکور در فوق و همچنین بدلائل دیگری است که حزب توده ایران از پیشه مخالف با درامول نظامی است و با اصرار هر چه تمامتر آرزو میکند و میطلبد که در مراحل مسالمت آمیز، مبتنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد، به مثابه یک گام در راه صلح و میهن‌دوستانه و انسانی در پیش گرفته شود. به همین جهت اظهارات آقای همتس عزت‌الله‌سجایی، عضو هیئت‌منه‌نفره کردستان در باره حل مسئله کردستان از طریق سیاسی مایه امیدواری و مورد پشتیبانی است.

مسائلی که در این‌طور بررسی شد، به عقیده ما بقدری درست و روشن است که نمیتواند مورد اعتراض هیچ آدم منصفی باشد. حزب توده ایران با ابتکاء بر همین حقایق است که به سه دزیر مسئول خلق کرد است که معواضه انقلاب را برعلا و منفرد ساخت و سر کوب کرد. ولی ادامه جنگ و دروغ‌دوستان را هم قاطی خواهد کرد، که ضد انقلاب هم، همین‌را میخواهد.

## راه حل نظامی برای مسئله کردستان سرانجام ندارد

باقیه از صفحه ۱

توب و هواپیما راه می‌افتد، آیا می‌توان ادعا کرد که وسیله حل مسئله کردستان بدرستی انتخاب شده است؟

آیا در راه حل نظامی، برای آنت است که کردها کرد بودن را فراموش کنند یا برای آنت است که زبان مادری کردی و ضرورت استفاده از زبان مادری را فراموش کنند؟ یا برای آنت است که نیازمندی‌های زندگی خود را که هر روز و هر ساعت با گوش و پوست خود احساس میکنند، فراموش کنند؟

اگر برای اینهاست، که باید بگوئیم هدفهای مذکور با هیچ سلاحی قابل اجرا نیست.

می‌گوئیم، هدف از درامول نظامی، سر کوب انقلاب است نه خلق کرد. می‌گوئیم، آخر گلوله‌ها به خلق می‌خورد، می‌گوئیم بگذار خلق سرچایش بشیند تا گلوله نخورد. می‌گوئیم، خواست مشروع خلق کرد را که عادی‌ترین حقوق انسانی است بدهیم تا سرچایش بشیند و پس از آن اگر کسی برای معارضه با هم سر بلند کرد، بدانند که او شد انقلاب است، که خود خلق کرد آنرا سر کوب خواهد کرد.

ما میدانیم که فاجعه کردستان را شد انقلاب ایجاد کرده است. ولی شما چرا تامین خواسته‌های مشروع یک خلق مستمده را در نظر نگرفتید؟ در نظر این آقایان باید که، آری ارتش ایران بطور کلی نیاز با سلحه دارد، ولی بچه نوع سلحه، در چه زمان، از کجا و با کدام شرایط؟

معاملات سلحه‌ای که با ایالات متحده امریکا انجام گرفته‌اند، نه از لحاظ مقدار، نه از لحاظ نوع، نه از لحاظ قیود و شروط بدر ارتش جمهوری اسلامی ایران نمی‌خورد. این سلحه بدر دژاندر منطقه‌ای امپریالیسم امریکا می‌خورده است برای تجاوز به دیگران و تامین سلطه امپریالیسم امریکادر منطقه بوده است. این سلحه برای ایران و نفع خطر، جلب خطری نمی‌کند، استاد این معاملات خائفانه را منتشر کنید، تا این حقیقت عیان عیان‌تر شود.

## اسلحه، پول، یا استقلال...

باقیه از صفحه ۱

قرار داده‌اند که ۸ ماه تمام است برای حل آن بین خود و بادولت ایالات متحده امریکا مذاکره می‌کنند و چانه می‌زنند و هنوز موفق به باز کردن گره کلاف نشده‌اند.

ولی بظن ما حل این معما آسان است، بشرط اینکه ما در موضع انقلاب ایران قرار بگیریم، یعنی از موضع ضرورت تامین استقلال کشور به حل مسئله بپردازیم. اگر ما در این موضع قرار بگیریم به روشنی مشاهده می‌کنیم که، دولت ایالات متحده امریکا ما را در برابر انتخاب استقلال کشور و یا دریافت اسلحه، که همراه با قیود و شروط سیاسی - نظامی ناقص استقلال کشور است، قرار داده است. و برای اینکه ما اسلحه را بجای استقلال انتخاب کنیم، مادام تهدید میکند که، در صورت انتخاب استقلال، میبائی پول ما را خواهد خورد.

مادر چنین وضعی کدامیک، استقلال یا سلحه را انتخاب کنیم؟ اگر در موضع انقلاب ایران قرار بگیریم، پاسخ آشکارتر از روز روشن است. ما استقلال را انتخاب خواهیم کرد. ما انقلاب کرده‌ایم، ده‌ها هزار جوان خود را قربانی داده‌ایم تا کشور و خلق خود را از یوغ امپریالیسم امریکا رها کنیم، استقلال خود را تامین کنیم. بنا بر این ما به حکم انقلاب و وظیفه نه اسلحه، نه پول، نه استقلال سیاسی، نظامی کشور، بلکه استقلال تام و تمام را با قاطعیت و بدون کمترین تردید انتخاب کنیم.

انتخاب استقلال مستقیماً بمعنای فتح معاملات سلحه نیست، بلکه بمعنای فتح و لغو تمام قیود و شروط سیاسی - نظامی این معاملات است. ما مسئله را بدینگونه مطرح می‌سازیم. ولی دولت ایالات متحده امریکا با لغو این قیود و شروط موافق نیست، زیرا فروش سلحه از نظر این دولت نه فقط وسیله غارتگری در مقطع بازرگانی است بلکه وسیله استقرار سلطه سیاسی - نظامی خود در کشور خریدار است از اینرو ما (یعنی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران) باید ضمن این معاملات و قیود و شروط سیاسی

## پذیرش شاه مخلوع از طرف امریکا، يك عمل سیاسی است بوضد انقلاب ایران...

باقیه از صفحه ۱

معنای این عمل سیاسی بطور کلی این است که، دولت امریکا دست نشاندهگان و دوستان خود را فراموش نمیکند. محمد رضا، سادات‌ها، بگین‌ها، قابوس‌ها، می‌توانند خلقهای کشورهای خود را بسود امپریالیسم دهنده‌های امریکا بچاپند، بزنده، بکشد، باطل‌امینان بایند که در حال پناهمگاهی از روی جنبه انسانی، در ایالات متحده امریکا خواهند داشت.

معنای این عمل سیاسی بطور مشخص ادامه پشتیبانی از محمد رضا و رژیم واژگون شده او و تقویت ضد انقلاب در ایران است. این عمل سیاسی گویای این واقعیت است که امپریالیسم امریکایا مانند قیل از بی‌وزنی انقلاب در ایران، همچنان دشمن انقلاب ایران است. دشمن جمهوری اسلامی ایران است و هر وسیله‌ای برای حیران‌شکست خود در ایران، برای باز پس گرفتن ایران مشتبه میشود.

عمل سیاسی پذیرش شاه مخلوع، هتداری است به آن کسانی که تصور میکنند که امریکا دیگر در برابر واقعیت انقلاب ایران تسلیم شده است، دیگر قصد مدخله در ایران را ندارد، دیگر به همکاری حاضر است.

عمل سیاسی پذیرش شاه سابق خط بطلانی است بر این تصور خام و تصوری که اظهار و اشاعه آن هوشاری انقلابی مردم مارا دچار خود میکند و لذا خطرناک است. اینکه دولت امریکا بیک چنین عمل سیاسی بی‌شرمانه‌ای دست‌زد و «از روی انسانیت» سرشکنجه که هزاران میهن‌پرست رزمنده ایرانی، قاتل ده‌ها هزار نفر از بهترین جوانان ما، میهن، فروشی کم‌ظنن، غارتگر و زودی بسا اشتهای سیر نشدنی، افسر مفیدین فی‌الاش را پذیرفته، جای تمجب نیست.

دولت امریکان بزدلانه‌ترین نقاب که سبب است به پذیرفتن شاه مخلوع بر چهره زده بود، کاندیدگری نکرده است.

جای تمجب و بالاتر از تمجب، در بر خورد مقامات رسمی دولتی نسبت به سلعه است. هادین کارکنان سختکوری وزارت خارجه امریکا گفته است که دولت امریکا در پذیرفتن شاه مخلوع «بویز جنبه انسانی را در نظر گرفته است» و نیز گفته است که در باره موضوع با مقامات ایران تماس گرفته شده

## عمل سیاسی پذیرش شاه مخلوع از طرف امریکا، يك عمل سیاسی است بوضد انقلاب ایران...

است. سختکوری وزارت خارجه ایران چه گفته است؟ گفته است: «بله ما از سفر شاه مخلوع در باره ما در روز (فلا هر دوم آبان) به نیویورک برای معالجه اطلاع داریم دولت جمهوری اسلامی ایران همیشه مخالفت خود را با سفر شاه مخلوع به امریکا به مقامات این کشور اعلام کرده است، ولی چون گفته میشود که شاه مخلوع برای معالجه بیماری صلب العالاجی به نیویورک رفته است، بنا بر این وزارت خارجه ایران از مقامات مسئول امریکائی این تمجد را گرفته است که شاه فرج. در مدت اقامت در امریکا، اقدام با نمانج هیچگونه فعالیت سیاسی نکنند.» (اطلاعات شماره ۲۲ آبان) و نیز یک سختکوری سفارت ایران در واشنگتن بویه خود به خبرگزاری فرانسه گفته است: «با وجود اطمینان کافی که وزارت امور خارجه امریکا داده است، سفارت به تحقیقات لازم دست خواهد زد تا معلوم شود که آیا شاه سابق حتماً بیمار است یا خیر و اگر مساله بیماری او حقیقت نداشته باشد، رسماً بدولت امریکا اعتراض خواهد کرد.» (اطلاعات شماره ۲۲ آبان)

پس بنا به گفته‌های رسمی شاه مخلوع بشرط خودداری از فعالیت‌های سیاسی در امریکا، در صورتیکه بیمار باشد، میتواند در امریکای معالجه بردارد. به عبارت دیگر، مقامات رسمی دولت ایران در مورد پذیرش شاه مخلوع به امریکا، «با جنبه انسانی» اقدام امریکا موافق است و اگر این جنبه انسانی قلابی باشد، آنکام فقط آنگاه - به دولت امریکا اعتراض خواهد کرد.

حیرت‌انگیز نیست؟ کسی که دولت ایران میبایستی بتواند قاتل ده‌ها هزار نفر، زدی که ۳۵ فروشی کم‌ظنن، غارتگر و زودی بسا اشتهای سیر نشدنی، افسر مفیدین فی‌الاش را پذیرفته، جای تمجب نیست.

دولت امریکان بزدلانه‌ترین نقاب که سبب است به پذیرفتن شاه مخلوع بر چهره زده بود، کاندیدگری نکرده است.

جای تمجب و بالاتر از تمجب، در بر خورد مقامات رسمی دولتی نسبت به سلعه است. هادین کارکنان سختکوری وزارت خارجه امریکا گفته است که دولت امریکا در پذیرفتن شاه مخلوع «بویز جنبه انسانی را در نظر گرفته است» و نیز گفته است که در باره موضوع با مقامات ایران تماس گرفته شده

## مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران

برایش آرامگاه بازند، آیا این يك عمل سیاسی نیست و آیا دولت انقلابی ایران ببدان اعتراض نخواهد کرد؟

به این حیرت و به این اعتراض مردم ایران، وزارت امور خارجه ایران باید پاسخ بگوید.

تلفن: ۹۳۵۷۲۸۹۳۳۴۵۹  
چاپ: گلایان

مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران

تلفن: ۹۳۵۷۲۸۹۳۳۴۵۹

چاپ: گلایان

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد



# اتحاد ضامن پیروزی است

## طرح مسئله

در زمان بررسی گسروهای چپ تحلیل «تئوریک» و از آنجمله تحلیل «طبقاتی» وضع موجود متداول است. اینکه کسانی بگویند پدیده‌های بفرنج جامعه ما از دیدگاه جامعه‌شناسی علمی و انقلابی بررسی کنند، بخودی خود کار لازم و درستی است. ولی نکته اینجاست که پدیده‌های اجتماعی عموماً ماوراء بفرنج است. اگر به آنها سطحی و یا عاطفی نظر افکنیم، اگر تئوری انقلابی را بر آنها مکانیکی و عامیانه تطبیق دهیم، اگر تحلیل مابین بر اطلاع جامع و دقیق نباشد و امری را که در سطح حوادث است تنها ملاک داورى بشمریم، آنگاه حتماً به بیراهه خواهیم رفت. در پدیده‌های اجتماعی جهان امروزی، در هر کشور از کشورهای جهان که بگیریم، خواه نیکارگو، خواه حبشه، خواه ایران، خواه کامپوچیا و غیره روندهای جهانی بازتاب نیرو مندی دارند و نمیتوان یک پدیده را تنها در چارچوب ملی، آن درک کرد. در پدیده‌های اجتماعی جهان امروزی، بازبهای سیاسی هم‌اکنون و هم‌اکنون بفرنجتر و اسرار آمیزتر از گذشته است و نمیتوان هر پدیده ظاهری را بمثابه «سکه نقره» تلقی کرد. در پدیده‌های اجتماعی جهان امروز تشخیص نکته عمده و سمت اساسی حرکت رویدادها بسیار مهم است و این تشخیص نیز کار آسانی نیست.

کسانی که با حسن نیت و کمال ارادت، جهان بینی مارکسیستی لنینیستی را آموخته‌اند، باید توجه کنند که دانستن مقدار اصطلاحات و تعداد احکام برای بررسی ژرف کارانه پدیده‌های اجتماعی کافی نیست. ابداع.

مارکسیسم لنینیسم، چنانکه بارها لنین تصریح و تأکید کرده، تنها در احکام عمل و اسلوب تفکر و کارش است. اسلوب است نه نسخه کار و طرح حل مسئله. موافق این اسلوب باید توانست در انبوه درم رویدادها و واقعات راه برد. لنین بگرات گفته است که: «حقیقت مشخص است». یعنی چه حقیقت مشخص است؟ یعنی آنکه در هر مکان و در هر زمان باید «حقیقتی» را که می‌خواهیم درک کنیم، جداگانه مورد بررسی علمی قرار دهیم. درباره آن «حقیقت» از پیش نسخه‌ای وجود ندارد. پیش مارکسیستی فقط بیان قوانین عمومی حرکت طبیعت و تاریخ است و نه قوانین خصوصی آن.

مالیته باید با نگاه آن قوانین عمومی، این قوانین خصوصی را کشف کنیم، ولی هر جوت باید یک سلسله قوانین و مشخصات ویژه پدیده مشخص مورد نظر خود را کشف کنیم. دقت کنید، کشف کنیم. همین جهت مارکسیسم ریاک تئوری انقلابی - انتقادی خلق می‌داند.

لنین بارها گفته است که اسلوب مارکسیستی «تحلیل مشخص واقعیت مشخص است» مارکس گفته است که ما هرگز نمی‌گوییم که «دیک‌های سرخ کرده» حقایق ازلی را آماده ساخته‌ایم و دیگر وظیفه شما تنها اینست که دهن باز کنید و آنها را ببلعید. ما هرگز نگفته‌ایم آنچه که یافته‌ایم حقایق جاوید است و شما باید در برابر آنها بزبان درآید. آنکلی تصریح می‌کند که انقلابیون نباید از یک سلسله اصول جامد و جزمی آغاز کنند و برای جنبش زنده نسخه نویسی نمایند، بلکه باید از جنبش زنده شروع کرد و از درون آنها اصول و قوانین ویژه آنها را بیرون کشید. لنین بارها تصریح کرده است که مارکسیسم در هر کشوری باید بتواند مشخصات ویژه جامعه آن کشور را در آنکند و به انطباق مکانیکی دست نزنند. او با توصیه اید کرده است که در گذشته فرق نشوی، زیرا انقلابیانات دائماً صالح نوینی را مطرح می‌کنند که سابقه‌ای در گذشته ندارد و اگر بخوایم به شیبه سازیهای مکانیکی دست زنیم، نسج زنده را از میان برده‌ایم و آنرا در یک تکراریم و از این نوع تکرارها باید پدیدار باشد از طرف کلاسهای مارکسیستی دهها و دهها میتوان ذکر کرد.

یکی از سوانقدهای حیرت انگیزی که در بین همدغان مارکسیسم شده است، استفاده از تئوری طبقات است. کلاسهای مارکسیستی بارها گفته‌اند که پدیده‌های اجتماعی «در آخرین تحلیل» با زیربنای اقتصادی و ساخت طبقاتی جامعه پیوند می‌یابند. ماتریالیسم تاریخی تنها این نکته را تصریح می‌کند که در حرکت عمومی تاریخ عامل تعیین کننده هستی مادی جامعه است. پیوند مابین پدیده‌های رویشی و معنوی جامعه با این زیربنا، پیوندی است بسیار بسیار فرنیخ خودجوشی معنوی و رویشی جامعه‌دارای استقلال نسبی و تواتر و خودجوشی درونی است. هر پدیده‌ای را بجالاکي به طبقه‌ای بستن و در آن محسوی اقتصادی معینی جستن، کار را به دنبال می‌کنند. درست است که لنین میگوید که افراد در سیاست اله خواهند ماند، اگر در پی شمارهها و جنبشها و سازمانها، منافع این و آن طبقه را جستجو نکنند، ولی اینها این بدان معنا نیست که اینکار را باید ساده کرد و به الگو سازی شتابزده پرداخت. لذا روش طبقاتی یک تحلیل و وقت آمیز و بدون پیشداوریهای ذهنی از پدیده‌ها آنست که اولاً تحلیل گر از تئوری عمومی اطلاع همه‌جا نه بود و وقت داشته باشد و ثانیاً تحلیل گر پدیده مورد بررسی را بر اساس رویدادها و واقعات جامع و موثق بشناسد. پس از نامین بودن این روش، تحلیل گر باید بتواند با نگاه آن تئوری عمومی (مبتوان اسلوب علمی) این پدیده، بفرنج و خاص را بشکافد و آنرا بشناسد و در همه جا از ذهنیات و از عشق به پیروزی امر حش سرشار باشد، تا بتواند مشخصات و قوانین ویژه پدیده مورد بررسی خود را بدرستی کشف کند.

## یک تحلیل رایج و نادرست

پس از این مقدمه، که تصور می‌کنیم توجه به نکات آن حیاتی است، به اصل مطلب بپردازیم. در تحلیل وضع موجود در بین برخی از نیروهای چپ تحلیلی رایج شده است که ما آنرا خلاصه می‌کنیم و در ذیل می‌آوریم: گفته می‌شود که انقلاب ایران در مرحله اول خود جمعی از روحانیات را به قدرت رسانده است که امام خمینی براس آنها قرار

داد. این روحانیت دارای روخصیه مشخصه است، اول آنکه دارای قشریت و تمسب شدید مذهبی است، دوم آنکه بر اساس همین قشریت و تمسب شدید مذهبی، نمی‌تواند نیروهای غیر از خود را در انقلاب تحمل کند و لذا خواستار انحصار ایدئولوژیک و سیاسی است. این روحانیت قشری و انحصارگرا، دارای یک پشتوانه طبقاتی است. پشتوانه طبقاتی آن، خورده بورژوازی سنتی مرفه است که بطور عمده از کسبه بازار و زمین‌داران کوچک روستا و امثال آن تشکیل میشود و از لحاظ نوع اقتصاد خود، با اقتصاد سنتی فئودالی و پدر شاهی پیوند دارد.

به نظر مطرح کننده گان این «تئوری» و «تحلیل»، چنین قشری از روحانیت متمسب و انحصارگرا، قادر نیست سیاست و اقتصاد جامعه معاصر ایران را اداره کند. لذا از دیدی نیست که در اینکار در خواهند ماند. بورژوازی لیبرال (و براس آن کسانی مانند شاهپور بختیار) درصددند از این ضعف بنیادی قشر حاکم استفاده کنند و قدرت را در دست گیرند. نیروهای چپ باید امان نهند و اینکار میباید علیه قشر حاکم رادست داشته باشند والا عرصه را باز دیگر به بورژوازی خواهند سپرد. لذا باید در بر دبر علیه قشر حاکم کونی پیشناز بود و انقلاب را به جلوراند و ندوام آنرا بسوی چپ نامین کرد.

این «تحلیل» سراپا نادریست، در پایه آن اقدامات نادرست تری قرار دارد که برخی عناصر و نیروهای چپ علیه انقلاب و رهبری آن دست میزنند، و «با وجدان راحت» و «با حیثاً نا» با این تصور که گویا دارند به رشد و ندوام انقلاب کمک میرسانند، در انواع ماجراهای عملاً ضد انقلابی شرکت می‌جویند.

برای کسانی این تحلیل «دکان» و «دام» واقعی است تا یکمک آنها جوانان پرشور را بسوی خود جلب کنند، تحلیل یاد شده عوام ریبنا است. ظاهر منطقی و واقعی دارد. نتیجه گیری از آن بنظر بسیار انقلابی میرسد. ولی از آنجا که در واقع غلط است، لذا همه این ظواهر، ظواهری است یوغ و بی‌اراهه است خطرناک.

## پاسخی باین «تحلیل»

برای اینکه در چارچوب ادعا باقی‌مانیم به بررسی «تحلیل» مورد نظر می‌پردازیم.

۱) نکته نخست آنکه درباره «روحانیت» بطور درست حکم ساده شده‌ای نمیتوان صادر کرد. «روحانیت» مانند قشر روشنفکری از لحاظ طبقه‌ای خود، همگونی نیست. در میان روحانیت افراد مترقی و حتی انقلابی بسیار روشن بین و واقع گرا وجود دارند در میان روحانیت کسانی هستند که از اندلیستیکی به تمییرات سنتی از احکام اسلام، دارای پیوندهای خلقی، شورشهای انقلابی و موضوع گیری ضد امپریالیستی هستند. در میان روحانیت کسانی هستند که موضوع گیری آنها بسود بورژوازی و امپریالیسم است. همه اینها جامعه روحانیت برتن دارند. همانطور که او تئوری نظامی، یا لباس شخصی نمیتواند پایهای برای «دیک کله کردن» قشر ارتشی یا افراد شخصی قرار گیرد، همانطور جامعه روحانیت بخودی خود کافی نیست. تفاوت باید بر موعده گیری عملی (و نه در گفتار) سیاسی - اجتماعی فرد روحانی معین باشد.

امام خمینی براس یک روحانیت ضد استبداد، ضد امپریالیست و خلقی قرار دادند. تردیدی نیست که امام خمینی از طریق دستک وسیع روحانیت (که حداقل به هفتاد هزار نفر در شهر و روستای ایران بالغ میشود) پیوند خود را با وسیع ترین قشرهای شهروند برقرار میکنند و لذا هیئت نین دستکها و اتحاد آن برگرد رهبری خود علاقمند است و همین علاقمندی او را و امیدوار طوری رفتار کند که قشرهای نامگون روحانیت را برآورد و بسوی ضد انقلاب سوق نهد. علی‌رغم همه این احتیاطها، امام بارها علیه «آخوند فاسد» سخن گفته است. خمینی از هر طرف فداکار عامه نیستیم و پدر اسلامیم. متعجب آنکه خمینی از اسلام نیز یک تمییر سیاسی و خلقی است. برای او علی نمونه یک مسلمان واقعی است. او بارها موضوع گیری خود را بسود مستضعفین و علیه مستکبرین آشکارا بیان داشته است. عمل او همین را نشان میدهد. لذا امام خمینی و یاران صدیق او را در میان روحانیت، نمی‌توان نمایندگان «قشر مرفه» سنتی خورده بورژوازی، یعنی جناح عقبانده و رد تجاری خورده بورژوازی دانست. آنها تا حدود زیادی نمایندگان جناح ضد امپریالیست و خلقی قشرهای متوسط جامعه هستند که با ایدئولوژی و پیشینه مذهبی عمل می‌کنند. لذا در قیاس با دیگر نیروهای سیاسی، که بویژه در دستک اجرایی آشفته دارند و خواستار راه رشد سرمایه‌داری و پیوند با غرب هستند، این جناح خاص روحانیت (و براس آنها امام خمینی) بمراتب انقلابی ترند و از نیروهای انقلابی جامعه ما بشمار می‌آیند. تضعیف این جناح. روحانیت تنها بسود جناحهای محافظه کار و ارتجاعی و بورژوازی است. یعنی تضعیف این جناح از روحانیت بطور عینی (صرف نظر از نیت و ذهنیات) تضعیف یک نیروی صادق به انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است و راه را نه برای «در دیکالیم» برتری، بلکه برای «لیبرالیم بورژوازی» می‌گشاید، بی‌گم‌وکاست.

چرا؟ زیرا رادیکالیسم برتری در کشور ما هنوز دارای آن نیرو نیست که بتواند، در صورت از میدان خارج شدن رهبری (امام) خمینی و یاران وفادارش، قدرت را بدست گیرد. چپ تقسیم شده است. بخشهایی از آن دچار سرگردانی تئوریک هستند و مصممانه در اعماق نوعی «ملت گرایی» بظاهر چپ و انقلابی دست و پا میزنند. برای امپریالیسم «کارآ خودد» است که بدست بقیه نیروهای ارتجاعی، محافظه کار و معتدل اجتماعی، اینکار را از چنگ این گروه (که هنوز در توده‌های وسیع زحمتکش شهروند ریشه‌های استوار ندارند) خارج سازد.

۲) نکته دوم آنکه در مرحله کنونی انقلاب ایران (که خوشبختانه گویا همه قبول دارند انقلاب سوسیالیستی نیست، بلکه انقلاب ملی و دمکراتیک است) اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی، امع از پیش و تعلق طبقاتی آنها، شرط حیاتی است. ایجاد تفرقه در میان این نیروها، با مطلق کردن خواسته‌های خاص این یا آن گروه سیاسی، بازم علیرغم نیت‌ها که می‌تواند پاک و معصومانه باشد، آبدریختن به آسیای امپریالیسم است. امپریالیسم قدر قدرت نیست، ولی بسیار قوی و بسیار مکار و حیله‌گر است. تاکتیک اصلی او برای خورد کردن انقلاب ایران همان تاکتیک کذایی «تفرقه بینداز و حکومت کن» است. یکی از افزایش مهم تفرقه در دست او عبارتست از ایجاد اختلاف بین مذهبی و غیر مذهبی‌ها، بین مسلمانها، بین غیر مذهبی‌ها و از آنجمله بین نیروهای چپ.

# مردم و مردم

با یک ط. در نامه‌ای، ضمن تبریک سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، حزب زحمتکش سراسر ایران، گزارشی عینی برای ما فرستاده است که ما آنرا نقل میکنیم.

«روز سه شنبه ۵۸/۷/۱۷، ساعت ۱۱ شب، در مسیر خانه‌مان با یکی از رتقای وقتی وارد میدان ۷۳ خیابان سنکمان شدیم، یک دفعه متوجه شدیم که حدود ۱۵ نفر (۵ نفر سوار یک ماشین یکبار، سه نفر سوار موتورسیکلت، ۷ نفر پیاده) که چهار پنج نفر از آنها لباس پاسدار پوشیده بودند، ب طرف شمال میدان حمله‌ور شدند. وقتی دقت کردیم متوجه شدیم یک نفر جوان در قسمت شمال میدان کنار دیوار با موتورسیکلت ایستاده و دارد با فیکس‌تور شماره می‌نویسد یک لحظه فکر کردیم که آن شخص را الان تاحدکستن خواهند زد. ولی وقتی مهاجمین به نزدیکی آن شخص رسیدند، او از جیبش چیزی درآورد - احتمالاً کارت بود، نشان آنها داد و چیزهایی به یکی از مهاجمین گفت که بعد از چند لحظه سر دست مهاجمین برگشت و با صدای بلند به دوستش گفت: «بچه‌ها چیزی نیست از افراد سپاه». بعد از اینکه با محل رسیدیم، آن شخص باشوخی و خنده‌خند حافظی کرد و رفت. شماری که روی دیوار نوشته بود این بود: «مرگ بر - توده‌ای وفدائی». بعد از رفتن آن شخص، افراد مهاجم یکی دیوار باشوخی و خنده این شمار را تکرار کردند. معلوم بود که هنوز متوجه حضور دو نفر بیکانه نشده‌اند.

بعد یکی از مهاجمها که لباس پاسداری پوشیده بود، با جاقوی تیزی آرم چندتا اعلامیه «سازمان مجاهدین خلق ایران» را، که روی دیوار بالای شمار نصب شده بود، خراش داد و کتد. در این حین من نزدیک رفتم و پرسیدم: «این پسر کی بزد شمار می‌نوشت؟ او بدون اینکه نگاه کند گفت: «کسی نبود از بچه‌های خردمان بود، مال سپاه بود» بعدیکه نگاه کرد و متوجه شد که من از بچه‌های محل نیستم و گفتم: «هیچ آقا کسی نبوده‌و بعد برآه افتاد و دنبال دوستا نتر رفت. البته ما عین همین کار را روزهایی که تبلیغ برای انتخابات مجلس خیرگان بود، بارها مشاهده کردیم. چندین بار درگیری داشتیم و در اغلب موارد افراد کمیته بودند که از این افراد دفاع می‌کردند.

حالا این سؤال پیش می‌آید، که اینگونه افراد که معلوم نیست کیستند و از که دستور میگیرند، تاکی باید اینطور آزادانه به اعمال نادرست و تفرقه اندازنده خود ادامه دهند؟ و کمیته‌ها و سایر سازمانها از عوامل یا کساز می‌خواهند؟

● **حاجت اقدس علامی**، که نام خود را دیک مسلمان ایرانی با اعتقاد روحانیت همه نیروهای انقلابی و مترقی، امضاء کرده است، ضمن تبریک انتشار مجله «مردم» می‌نویسد که: «بعد از انتشار «مردم» تقریباً هر روز از این روزنامه را مطالعه می‌کنم» و در خلال این مدت در پیافتمام که برخلاف تبلیغات مفرضانه و متداول نیست به حزب توده ایران، حزب توده ایران نه تنها مخالف انقلاب نیست، بلکه دل‌سوزان نیز می‌باشد.

اولی نامه خود همچنین سئوالاتی در مورد موضع حزب توده ایران در سالهای ۳۰ - ۳۲ نسبت به دولت دکتر محمد مصدق مطرح کرده و از ما پاسخ آنها را جویا شده است. به این دوست مسلمان خود یادآوری میکنیم که در مورد وقایع سالهای ۳۰ - ۳۲ تحقیقات، کتابها و مقالات متعددی از جانب حزب توده ایران تهیه و انتشار یافته است و در صفحات روزنامه «مردم» نیز به مناسبت‌های مختلف (همچون ۲۸ مرداد) به این مهم توجه شده است و در آینده نیز این کوششها ادامه خواهد یافت. در این زمینه نامه توجه دوستان را بویژه به مطالعه کتاب «تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی در ایران» تالیف رفیق فقید عبدالصمد کامبخش، جلب میکنیم.

دستی با نام «گورگور از سنجان مینویسد: «من یک کارگرم وقتی که فهمیدم «مردم» آرا داشته، از فزوق و هیجان میخوامم گریه کنم» او همچنین شماری برای ما فرستاده است با نام «آید (مردم)» که قطعه‌ای از آن چنین است: «آید از لوفان دریاها / از پستی و بلندیهای کوه / آید از خاک گرم کویر / از پس کوه‌های جنوب شهر / آید آن نواي قدیمی / که دل و قلبت را پر زهر و محبت میکند / ...»

دستی که با نام «شعله رها» ناکون برای «مردم» اشعار زیادی ارسال کرده است، در صورت تمایل میتوان به منظور تبادل نظر به دفتر «مردم» مراجعه کند.

## امضاء موافقت نامه نیکارگوئه و اتحاد شوروی یک اقدام تاریخی است

حکومت انقلابی نیکارگوئه و اتحاد شوروی موافقت نامه‌ای در مورد برقراری روابط سیاسی در سطح سفارت امضاء کردند. حکومت انقلابی نیکارگوئه که اعلام کرده است در سیاست خارجی، سیاست عدم تمهد و بی‌طرفی را امپریالیسم را می‌گیرد خواهد کرد، متذکر شده است که امضاء این موافقت نامه بفع هر دولت است. میکول اسکوتو، وزیر خارجه نیکارگوئه انقلابی، گفت: «خلق نیکارگوئه همواره احترام و تحسین زیادی برای اتحاد شوروی قائل بوده است و امضاء این موافقت نامه یک اقدام تاریخی است.

از سوی دیگر عوامل ضد انقلابی یک مقام نیکارگوئه‌ای را بضرر گلوله می‌کشند. مقامهای نیکارگوئه‌ای اعلام کرده‌اند که هواداران رژیم سرنگون شده سوموزا هنوز به خرابکاری ادامه میدهند.

تئوریهای «ماوراء چپ» نه تنها علیه امام خمینی ساخته میشود، بلکه علیه حزب توده ایران هم وجود دارد. تا اینکه این حزب را «فرصت طلبی» و «در کمین رسیدن به حکومت» جلوه‌گر سازند و احساسات شورانگیز انقلابی را در مجرای بکلی غلط بیاکنند. امپریالیسم برای انجام اینکار عمال تعلیم دیده‌ای در میان نیروهای چپ دارد.

اتحاد چپ، اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی، اتحاد مارکسیست‌ها و مسلمانان مبارز پیرو راه امام خمینی در یک کلام، اتحاد همه نیروهای انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، پاسخ دندان شکن به توطئه‌های امپریالیستی است، تنها راه مقابله با ضد انقلاب است.

«تحلیل» گمراه‌ساز که یاد کردیم، تمام و کمال در جهت خلاف مسیر واقعی انقلاب است، و چنانچه تاکنون فاجعه‌هایی ببار آورده، میتواند در آینده نیز فاجعه‌ها ببار آورد.

امید است که این مختصر بتواند جانهای پاک و جوینده را به تفکر و ارزایی بچند و داد.

# چرا «سیا» نگران کاهش استخراج نفت در اتحاد شوروی است؟

برابر گزارش خبرگزاری رویتر، کمیته ویژه مسائل اقتصادی سنای آمریکا، به استناد اطلاعات و بررسی کارشناسان «سیا»، گزارشی تهیه کرده که در آن پیش‌بینی شده است که در دهه ۱۹۸۰ استخراج نفت در اتحاد شوروی تا حدی کاهش خواهد یافت که شوروی ناگزیر خواهد بود نیازمندیهای داخلی خود را از اوسک خریداری کند، تا بتواند نفت مورد نیاز کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی را تأمین نماید.

در این گزارش ذکر شده است که در سال ۱۹۷۸ در شوروی روزانه ۱۱/۴۳ میلیون تن نفت استخراج شده است، که این رقم در دهه شصت به ۱۰ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت.

در رابطه با این گزارش در پاسالار ترین، رئیس «سیا»، هشدار داده است که کمبود نفت در اتحاد شوروی مناقشات عجیب و تازه‌ای را در جهان پدید می‌آورد.

هر بار که محافل حاکم آمریکا تلاش دارند به نقشه‌های تجاوزگرانه و توطئه‌های خود علیه استقلال و آزادی خلقهای جهان متفق بخشدند، سعی میکنند آنرا با «خطر کمونیسم» و «خطر شوروی» توجیه نمایند. این بار هم برای توجیه کمبود نفت و مشکلات و پایگاههای نظامی امریکادر منطقه نفت خیز خلیج فارس و تشکیل نیروهای «واکنش سریع» صدوه هزار نفری، با آمادویت اشغال این منطقه، و دیگر نقشه‌های تجاوزی و مداخله نظامی امپریالیسم امریکا، مسئله «پیشگویی» درباره کاهش میزان استخراج نفت در اتحاد شوروی را مستمک قرار داده است. و اما واقعات و ارقام کاملاً خلاف این پیشگویی را تایید میکنند.

طی سه سال اخیر (۱۹۷۸ - ۱۹۷۶) استخراج نفت در اتحاد شوروی ۸۱ میلیون تن افزایش یافت و از ۴۹۱ میلیون تن در سال ۱۹۷۵، به ۵۷۲ میلیون تن در سال ۱۹۷۸ رسید.

طبق برنامه پنج ساله اقتصادی کشور، در سال جاری استخراج نفت در اتحاد شوروی به ۵۹۳ میلیون تن خواهد رسید.

طی سه سال اخیر در اتحاد شوروی ۱۲۰ معدن جدید نفت کشف و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. طی سالهای اخیر، میزان استخراج سالانه نفت در ناحیه سیبری اتحاد شوروی از سفر به متجاوز از ۲۸ میلیون تن رسیده است. اکنون اتحاد شوروی از لحاظ میزان استخراج نفت و گاز نفرد در جهان مقام اول را داراست. در سال ۱۹۷۸، اتحاد شوروی معادل ۱۱/۵ میلیارد روبل، یعنی در حدود ۱۷ میلیارد دلار نفت صادر کرده است.

## کمیته مرکزی حزب توده ایران

رتقای گرامی، سازمان مارکسیستی دانشجویان (اسپارتاکوس) در آلمان فدرال، سی و هشتمین سالگرد جنبش حزب توده ایران و انتشار مجله روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب را بسا روحی سرشار از هیبتگی رزمندگی، بشما تهنیت میکند. مادر آینده پشتیبان خود را از خلق ایران و رزمندگان ضد امپریالیستش و بویژه از حزب توده ایران و سازمان جوانان آن تحکیم خواهیم کرد.

با درودهای سوسیالیستی از سوی کمیته مرکزی سازمان مارکسیستی دانشجویان (اسپارتاکوس) در آلمان فدرال ایلیزابت تلکه

**برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق**



# شرکت «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران در جشن «اومانیته»، ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه و «اونیتا»، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایتالیا

رفقا ابوتراب باقرزاده و رضا شلتوکی، اعضای هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران به نمایندگی «مردم» در جشن ارگانهای احزاب برادر فرانسه و ایتالیا شرکت داشتند.



رفقا باقرزاده و شلتوکی در میتینگ بمناسبت جشن «اومانیته»، ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه در روستا رفقا، رفیق ایوهانامون، شهر دار کمونیست نانتر دیده میشوند.

در مدت زمانیکه، ناروا و بدون دلیل، روزنامه «مردم» در توقیف و تعطیل بود، روزنامه اومانیته، ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه و روزنامه اونیتا، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایتالیا، جشن معروف سالانه خود را برگزار کردند.

از طرف روزنامه «مردم»، رفقا ابوتراب باقرزاده و رضا شلتوکی، اعضای هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران دوتن از قهرمانان بنامی که با تحمل ۲۵ سال زندان و پایداری در دفاع از آرمانهای والای حزب خود، از فاتحین شکنجه گاههای رژیم فاشیستی شاه هستند، در این جشن شرکت داشتند.

در آنزمان اسکان نبود که جریان این سفر و شرکت در مراسم جشن اومانیته و اونیتا را با اطلاع خوانندگان گرامی برسانیم، ولی اینک، علیرغم گذشت زمان، آگاهی خوانندگان «مردم» بر جریان این دیدار سودمند و از لحاظ همبستگی بین المللی پر معنا لازم است.

رفقای ما طی دو روز جشن اومانیته در پاریس، ضمن دیدار از غرفه «مردم»، که با استقبال گرم جمعیت شرکت کننده روبرو بود، در اجتماع بزرگی از اعضای و هواداران حزب و سایر ایرانیان مقیم فرانسه، مسائل مربوط به وضع انقلاب ایران، رهبری انقلاب، وضع کردستان، آزادیهای دموکراتیک، مسئله زنان و غیره را که مورد توجه بود، به تفصیل تشریح کردند و به پرسشهای متعدد آنان پاسخ دادند. آنها همچنین ملاقاتهایی با هیئت های نمایندگی الجزایر، یونان، ویتنام، ترکیه، یونان، تونس، آرژانتین، اسرائیل، عمان و ملاقات کوتاهی با سردبیر روزنامه پراودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی داشتند. دوستان ما از کشورهای مختلف جهان و همچنین از فرانسه، با ابراز همبستگی میگفتند که حزب توده ایران وظایف سنگینی را در شرایطی بفرنج برعهده دارد و با تمام قلب خود موفقیت حزب توده ایران را آرزو میگردند و از این سیاست مسائل انقلاب ایران را مستقیماً از زبان نمایندگان حزب می شنیدند از اینکه اطلاعات مفصل و جامعی بدست می آورند، بسیار خوشحال بودند. علاوه بر این کار روزنامه ارگان حزب کمونیست یونان، مصاحبه ای درباره انقلاب و موضع حزب ما و سایر مسائل مبرم، با رفقا باقرزاده و شلتوکی ترتیب داد و خاطر نشان ساخت که آشنائی مردم یونان با موضع حزب و وضع موجود مبارزه در ایران برای یونانیان بسیار جالب و آموزنده خواهد بود.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران با هیئت نمایندگی حزب کمونیست فرانسه مرکب از رفقا ماکسیم گومتز، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه و مسئول امور بین المللی و آلن گرتی، مسئول امور ایران، ملاقات کرد. ملاقات در ساختمان کمیته مرکزی حزب برادر رومی داد و در فین درباره اوضاع کشورها و فعالیت های احزاب خود اطلاعاتی مبادله کردند. ماکسیم گومتز این ملاقات را با خاطر یافتن یاستهای منطقی و روشن بسیار مفید توصیف کرد و بر این حزبمان در مبارزه دشواری آرزوی موفقیت کرد. رفقا باقرزاده و شلتوکی علاوه در محل ساختمان روزنامه اومانیته، با مدیریت این روزنامه و خانم همینیک باری، مسئول امور ایران، ملاقات کردند و طی مصاحبه ای، ضمن پشتیبانی از رهبری انقلاب ایران، امام خمینی در نبرد ضد امپریالیستی، مدت سه ساعت و نیم همه جوانب انقلاب ایران و بفرنجی مبارزه و موضع حزب در قبال مسائل مختلف را به تفصیل تشریح کردند. بخشی از این مصاحبه در شماره ۱۸ سپتامبر



## مبارزه مردم و زحمتکشان کره جنوبی علیه دیکتاتوری

مبارزه مردم و بویژه زحمتکشان کره جنوبی علیه رژیم دیکتاتور «پارک چونگ هی»، که از حمایت مستقیم آمریکا برخوردار است، دامنه گسترده ای بشود گرفته است. در چند شهر این کشور، و بویژه در شهر یوسان، مردم به خیابانها ریخته و خواستار برقراری دموکراسی و قطع نفوذ امپریالیسم آمریکا شدند. رژیم پارک چونگ هی در شهرهای آشوب زده حکومت نظامی برقرار کرده و دست به بازداشت های جمعی زده است. در اوج تظاهرات، هارولد براون وزیر دفاع آمریکا ارد شول شد و اعلام کرد که آمریکا رژیم پارک چونگ هی را مستحق خوبی میدانند. براون در این سفر تمهیدات نظامی تازه ای به رژیم کره جنوبی تحویل کرد. از سوی دیگر، یک روزنامه جمهوری دموکراتیک خلق کره نوشت که دیدار براون از سول یک دیدار برای تجاوز و جنگ بود. هدف از این دیدار چیزی جز پیشبرد استراتژی آمریکا در آسیا نبوده است. این روزنامه نوشت که امپریالیسم آمریکا کره جنوبی را مستعمره خود میدانند.

## امپریالیسم آمریکا در تلاش تشکیل بلوک نظامی جدید

براون، وزیر دفاع ایالات متحد آمریکا، برای یک دیدار رسمی وارد توکیو پایتخت ژاپن شد. پس از این دیدار، براون به کره جنوبی مسافرت می کند. ناظران سیاسی هدف دیدار براون را از توکیو و سول پایتخت کره جنوبی، باقیته نظامی جدید وزارت دفاع آمریکا جهت تشکیل بلوک نظامی سجا، توکیو، واشنگتن، سول مربوط میدانند.

## امپریالیست ها علیه کامپوچیا تحریک میکنند

وزیر خارجه کامپوچیا در بیانیه ای که بعنوان سندرسمی مجمع عمومی سازمان ملل متحد منتشر شد، اعلام کرد که نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی، برهبری امپریالیسم آمریکا، تلاش دارند بطور مستقیم اوضاع کامپوچیا را وخیم جلوه دهند و شورای انقلابی خلق را مسئول کبیود مواد غذایی، که نتیجه حکومت داروسته چناتیکار و سرنگون شده پول پوت - پیکساری است، قلمداد کنند. آنها تلاش دارند شورای انقلابی خلق را وقیحانه تحت فشار قرار دهند و برای کمک های مادی خود قیود سیاسی قائل شوند. بیانیه میگوید: «نیروهای امپریالیسم و ارتجاع هزاران تن مواد غذایی برای بقای کامپوچیا در دسترس قرار میدهند، اما آنها را با یک گام و پناهاگهائی در امتداد مرزها بلوکه و کامپوچیا ایجاد میکنند و سعی دارند رژیم چناتیکار پول پوت را، که مردم کامپوچیا را قتل عام کرده بود، احیاء نمایند و با این درسا خندان سلاح آمین کامپوچیا را بگریزند. این اقدامها تهدیدی برای استقلال، حاکمیت و امنیت کشور و تهدیدی برای صلح و آرامش در جنوب شرقی آسیا است. برخلاف اقدامهای تحریک آمیز نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی، کشورهای سوسیالیستی کمک مهم و مؤثری در اختیار کامپوچیا قرار داده اند. شورای انقلابی خلق کامپوچیا یکبار دیگر سیاست خود را در مورد قبول همه نوع کمک که بدون هیچگونه قید و بند سیاسی باشد، اعلام می کند و متذکر میشود که فقط شورای انقلابی خلق، تنها نماینده واقعی خلق کامپوچیا حق دارد این کمکها را دریافت و توزیع کند. بیانیه می افزاید: «هر گونه تلاش برای استفاده از کمک برای مداخله در امور داخلی کامپوچیا با مغایرت قاطع خلق کامپوچیا روبرو خواهد شد و ملت های جهان نیز آنرا محکوم خواهند کرد.»



## سهامداران شرکت گیسون تاکنون از قبول خواستهای کارگران طفره رفته اند

۶۰۰ نفر از کارگران شرکت گیسون واقع در اهواز، از ۲۲ مهرماه دست از کار کشیده اند و اعلام داشته اند تا قبول کامل خواستهایشان به کار باز نخواهند گشت. خواستهای این کارگران، که از محرومترین کارگران ساختمانی هستند، عبارت است از: ۱- مسکن مناسب و قابل استفاده، ۲- دارو و درمان بیماران، ۳- خواربار کافی برای هر خانواده، ۴- متأسفانه تاکنون سهامداران کارخانه از قبول خواستهای بحق این کارگران شریف سرباز زده اند.

## در تهران کمیال چه میگذرد؟

کارخانه شیمیایی تهران کمیال، وابسته به گروه صنعتی بهشهر، در جنوب تهران بنا شده است. این کارخانه متعلق به سرمایه دار معروف لاجوردی بود که به برکت انقلاب ایران ملی شد. کارخانه تهران کمیال تاکنون راه اندازی نشده و میلیونها تومان سرمایه ملی بدون استفاده مانده است. در تاریخ ۱۳ مهر در این کارخانه انتخابات شورای کارگری برگزار شد و پیروز گردید. در این انتخابات، در هر یک از بخش های شورا با هیئت مدیره کارخانه، نماینده دولت در کارخانه حضور یافت و علیرغم اعتراض کارگران خواستار انتخابات مجدد شورا شد. در تاریخ اول آبان انتخابات مجدد شورا برگزار گردید و چهار نفر از اعضای شورای قبلی مجدداً انتخاب شدند. در حال حاضر بزرگترین مشکل کارگران این کارخانه راه اندازی دستگاه هاست، تا با تولیدات این کارخانه، مشکل کمبود پودر های رختشویی برطرف گردد.



غرفه «مردم» در جشن «اونیتا»، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایتالیا

نظر انجام گرفت. منجمله دوستان ایرانی ما آگاهیهای بیشتری در باره مسئله آزادیهای دموکراتیک و وضع کردستان و مسئله زنان و بطور کلی مسائل عمده ای که در انقلاب ما مطرح است و راه حل آنها، میخواهند که بین امون آنها توضیح داده شود. رفقای ایرانی با انقلاب ما با آن رو بروست و اگر نتوان از راه مذاکره و تفاهم راه حلی برای این مسئله هم پیدا کرد، انقلاب با عواقب وخیمی روبرو خواهد شد.

بمبارزه دیدار از فرانسه، رفقا باقرزاده و شلتوکی، بدعوت حزب کمونیست ایتالیا، برای شرکت در جشن روزنامه اونیتا، رهبر امپریالیست شدند. آنها از طرف «مردم» که با استقبال خوبی روبرو بود، دیدن کردند و با اعضای حزب و هواداران و رفقای ایرانی ملاقات و مفصلاً گفتگو کردند. آنان سپس در شهرهای نیزی، یولونی، فلورانس، رم و تورینو همزمان حزب برادر بودند و با سازمانها و فعالیتهای آنان آشنا شدند و همگامی از استقبال بسیار گرم رفقای ایرانی برخوردار بودند، که نمونه ایست از احترام و علاقه آنان نسبت به حزب توده ایران و نسبت به نبرد خلق انقلابی ما.

در رم دیداری بین هیئت نمایندگی حزب ما مرکب از رفقا ابوتراب باقرزاده و رضا شلتوکی و هیئت نمایندگی حزب کمونیست ایتالیا مرکب از رفقا پائتا، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی، و اوریلیا مسئول امور بین المللی آن حزب روی داد. در این ملاقات پیرامون مسائل دو کشور و فعالیت های دو حزب تبادل اطلاعات

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

۱۰۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۰
۲۷۴۰	۲۷۴۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰
۵۰۰۰	۵۰۰۰

# قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود